

و بحمدالله حال خودمان هم خوب است. البته مراحم ما را هم به طوری که فرموده‌ایم به علماء اعلام ابلاغ داشته‌اید. باز هم از جانب ما به جنابان مستطابان آقاسید عبدالله و آقای آقاسید محمد و حاج شیخ فضل‌الله احوالپرسی کنید و بگوئید با این گرمی هوا بیشتر از این طول اقامت شما در قم ابداً مقتضی نیست، کمال مرحمت نسبت به آنها داشته و داریم، چرا باید در حرکت خودشان تأخیر بکنند؟ هر عرضی دارند بیابند حضوراً به ما عرض کنند، عرایض آنها را قبول می‌فرمائیم و کمال مرحمت را نسبت به آنها خواهیم فرمود. البته آنها را به مراحم ما خیلی امیدوار بکنید. يك فقره فرمایش هم به جناب اشرف صدر اعظم (مشیرالدوله) فرموده‌ایم ابلاغ می‌کنند شما هم از سلامت خودتان و حالات علماء عظام تلگرافاً به عرض برسائید. البته آقایان را برای فردا حرکت بدهید، می‌خواهید خودتان حضوراً به عرایض آنها برسید در این صورت بیش از این ماندن آنها مقتضی نیست ما که مکرر قول داده‌ایم که کمال همراهی و مرحمت را نسبت به آنها می‌کنیم.

(در شب ۱۳ جمادی الثانیه ۱۳۲۴)

شب گذشته که شب مولود شاه بود چون بازارها بسته بود مردم دم سفارت و خیابان علاءالدوله را چراغان کردند.

امروز باز از طرف سفارتخانه جمعی رفتند نزد مشیرالدوله و پاره‌ای مذاکرات نمودند. دستخطی از اعلیحضرت صادر گردید که خطاب به مشیرالدوله است و عین دستخط را مخابره نمودند به قم و صورتی هم برای رؤساء متحصنین فرستادند.

دستخط اعلیحضرت شاهنشاه منقرالدین شاه به صدر اعظم مشیرالدوله که در ذیل تلگراف به قم مخابره شده است. به تاریخ ۱۴ جمادی آخری

خدمت دیشوکت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم عالی آقای عضدالملک دام اجلاله‌العالی - چون خاطر خطیر اقدس ملوکانه ارواحنا فداء جداً مصروف آیش رعایا و امنیت و ترقی بلاد و مملکت محروسه خود است، به میمنت نید دولود شاهنشاهی، چنین اراده‌ایلیه شرف صدور یافت که به تشکیل مجلس ملی آسایش و امنیت را مبنای مستحکمی مقرر فرمایند و بدین لحاظ دستخط مبارک از ناحیه مقدسه خسروانه صادر شد که عیناً آن را اینک در همین تلگراف مندرج می‌دارد:

دستخط

جناب اشرف صدر اعظم، از آنجائی که حضرت باری تعالی جل شأنه سر رشته ترقی و سعادت مملکت محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی و رعایای صدیق خودمان قرار داده، در این

موقع که رأی همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفته که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکت به موقع اجراء گذارده شود . چنان مصمم شدیم که مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اسناف و منتخبات طبقات مرقومه ، در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود ، که در موارد لازمه در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را بعمل آورده و به هیئت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنمایند. در کمال امنیت و اطمینان، عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برسانند، که به صحنه مبارکه موشح و به موقع اجراء گذارده شود . بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهیم نمود ، که بعمون الله تعالی این مجلس افتتاح و به اصلاحات لازمه شروع شود و نیز مقرر می فرمائیم که سواد دستخط مبارک را اعلان و اعلام نمائید که تا قاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما ینبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعاگوئی باشند .

(در قصر صاحبقرانیه به تاریخ چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ در سال یازدهم سلطنت ما)

(عظرفالدین شاه) .

بعد از استحضار بر مراتب این دستخط مبارک و اطلاع به بذل این عنایت کامله شاهنشاهی که از مآثر این عهد مظفری است، خدمت جنابان مستطابان آقایان عظام حجج الاسلام دامت برکاتهم تفصیل را اشعار و مدلول دستخط مبارک را ابلاغ فرموده، خاطر محترمشان را متذکر خواهید فرمود که بیش از این غیبت حجج اسلامیه شایسته نیست. هر چه زودتر تشریف فرمای دارالخلافه شوند که به مدد نیات عالیله و همت انفاس قدسیه ایشان مذاکرات مجلس بر نظام باشد و تشکیل آن شده به حول و قوه الهی هر چه زودتر به اجراء این اراده علیه موفق گردیم و مسلم است که دیگر بعد از این مساعدت مبذوله از جانب سنی الجوانب ملوکانه یک ساعت تأخیر در ساعت حرکت آقایان عظام جایز نبوده و هر قدر زودتر عزیمت فرمایند برای آسایش و راحت بندگان خدا و رفع نگرانیهای مردم انب و الزم است . که خیر الخیر ماکان عاجله . امیدوارم که در جواب این تلگراف بشارت زیارت حضرت عالی و حضرات عظام هر چه زودتر موجب مسرت و امتنان مخلص گردد، انشاء الله تعالی . (مشیرالدوله) .

تلمگراف مشیرالدوله صدراعظم دام اقباله به آقایان مهاجرین دامت برکاتیم

خدمت ذیسعادت جناب مستطابان شریعتمداران ، آقایان عظام حضرات حجج اسلامیه دامت برکاتیم . امیدوارم وجود مقدس شریعتمداران عالی در حفظ الهی قرین به عاقبت و استقامت بوده و مکروهی به خاطر گرامی ازهیچ بابت ملالی نباشد . تلگرافی حسب الامر اقدس اعلی ، ارواحنا فداء ، خدمت ذیشوکت حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای عضدالملک ، دام اجلاله العالی زحمت داده ام که از ملاحظه آقایان عظام متع الله المسلمین بطول بقائهم خواهند گذرانید . و تصدیق خواهند فرمود که تا چه درجه ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فداء ، سعی در ترقی ملک و ملت و توجه آسایش و رفاه است و تا چه اندازه مایل است براین که مستدعیات حقه رعایای خود را در نظر عنایت بود ، محض رعایت مقرر فرمودند . پس در این صورت بدیهی است که آقایان و حجج اسلام دامت افاضاتهم نیز به اقتضای خیرخواهی تدارک خدمت گزاری این عنایت خاص خسروانه روحنا فداء را به عمل آورده ، چون موکب ملوکانه برای این که به تجویز اطباء باید در هوای ملایم چند روزی مداوت فرمایند ، روز بیستم به اوشان تبه ده روزه تشریف فرما خواهند بود ، و اقدام و شروع به این امر خطیر هم که امروز برعهده اولیای دولت و ملت مسلم گردیده است ، از محذور تاخیر باید مصون باشد . میل ملوکانه آن است که آقایان عظام ، دامت برکاتیم ، بزودی که ممکن است به دارالخلافه معاودت فرمایند که به مقدمات این خدمت بزرگ مبادرت شده و به فضل خدا و توجهات سایه خداوند و انفاس قدسیه اولیای شرع شریعت و همت کافه اولیای دولت علیه به حسن تشکیل و تنظیم مرتب آید . امیدوارم که انشاء الله تعالی تاخیر در حرکت را پس از این تکالیف شرعیه خود خارج و برای کمک اولیای دولت علیه در خدمت دولت و ملت تعجیل فرمایند .

(مشیرالدوله)

روز دوشنبه ۱۵ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز نیز بازارها و سراها بسته و مردم در سفارتخانه می باشند . طرف صبح اعلانی به در و دیوار سفارت و خیابانها و کوچه ها چسبیده شد . لکن مردم قبول نکرده و اعلان مطبوعه را پاره کردند و آنچه که ممکن بود اذر و دیوار کنند . ما صورت آن را نوشته و درج تاریخ خود نموده .

سوان دستخط اعلیحضرت شاهنشاه خلدالله ملکه

مظفرالدین شاه که به در و دیوار چسبانیده شده بود و مردم آنها را کنندند

جناب اشرف صدراعظم ، از آن جایی که حضرت باری تعالی جل شأنه ، سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف با کفایت ما سپرده و

شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرار داده ، لهذا در این موقع که رأی همایون ملوکانه ما بدان تعلق گرفته که برای رفاهیت و آسودگی قاطبه اهالی ایران وتشیید و تأیید میانی دولت، اصلاحات مقتضیه به مرور در دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجراء گذارده شود ، چنان مصمم شدیم که مجلسی ازمنتخبین شاهزادگان و علماء وقاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار واصناف به انتخاب طبقات مرقومه ، در دارالخلافة طهران تشکیل وتنظیم شود که درموارد لازمه در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره ومدافقه لازمه را به عمل آورده وبه هیئت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت وخوشبختی ایران خواهدشد اعانت و کمک لازم را بنمایند . و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را درخیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت به توسط شخص اول دولت به عرض برسانند ، که به صحنه مبارکه موشح و به موقع اجرا گذارده شود (۱) بدیهی است که به موجب این دستخط مبارک نظامنامه وترتیبات این مجلس و اسباب ولوازم تشکیل آن را مرتب و مهیا خواهید نمود که بعون الله تعالی این مجلس افتتاح و به اصلاحات لازمه شروع شود و نیز مقرر می فرمائیم که سواد دستخط مبارک را اعلان و اعلام نمائید که تاقاطبه اهالی از نیات حسنه ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است ، کما ینبغی مطلع و مرقه الحال مشغول دعا گوئی باشند . در قصر صاحب - قرآنیه به تاریخ ۱۴ شهر جمادی الاخره ۱۳۲۴ در سال یازدهم سلطنت ما (این سواد مطابق با اصل دستخط مبارک بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده است) .

(مشیرالدوله)

(در مطبعه مبارکه شاهنشاهی روحنا فداه به طبع رسید) (۲)

۱- به موقع اجری لفظی است مرکب از مضاف که لفظ به موقع باشد و از مضاف الیه که لفظ اجری است، یعنی به مقام اجراء . ولی مردم عوام معنی آن را نفهمیده و گفتند: یعنی در موقعی و محلی که ما صلاح دانیم ؛ و شاید دولتیان صلاح ندانند و به این جهت و جهات دیگر اکثریت آراء با عوام شد و این دستخط را قبول نکردند . به چند جهت ؛ یکی لفظ موقع یعنی هر وقت که موقع باشد، خواص هم به واسطه آن که شاید يك زمانی همین جزئی کلی شود و بهانه دست مستبدین افتد ، متابعت عوام را نمودند. دویم آن که باز توسط شخص اول در کار است. ثالثاً آن که شاید بعد از این، این دستخط هم مانند دستخطهای سابق گردد و ایفاء به مضمون آن نکنند ، بلکه باید وزیر مختار انگلیس ضمانت اجراء آن را بنمایند . چه دستخط اولی که در حضرت عبدالعظیم داده شد از این معتبرتر بود و کسی آن را اجراء نداشت .

۲- همین دستخط را جناب صدراعظم مشیرالدوله در طی و تلو تلگراف خویش به آقایان مهاجرین مخابره نمود که ما در عنوان روزیک شنبه ۱۴ در این تاریخ خود درج نمودیم.

از طرف تجار پولی تهیه شد که برای آقایان بفرستند .

تکلیف از ظهیران به قم

حضور سرکار حجة الاسلام آقای آقاسید محمد مجتهد طباطبائی سلمه الله تعالی - از برکات انفس قدسیه اسباب آسایش حاضر و امیدوارم منتهی به نتایج خیریه شود . سلامت وجود مبارک را بشارت فرمائید که مسرور شوم .

(ظهیرالاسلام)

این ظهیرالاسلام داماد شاه و برادر امام جمعه و مباشر و رئیس مدرسه سپهسالار است . در اوایل تاب به امروز با آقایان مخالف و متابعت برادر بزرگتر خود را می نمود . لکن امروز با آقایان همراه شده و در ورود آقایان نیز استقبال نمود .

ایضا از ظهیران به قم

خدمت ذی سعادت جناب مستطاب بندگان آقای آقامیرزا محمد صادق رئیس

مدخله . از مزده سلامتی حضرت آقا و جناب عالی نهایت تشکر به عمل آمد . آقایان عنایم را سلام عرض بکنید . منتظر اوامر مطاعه هستم . (نصرالله)

این تلگراف را حاج میرزا نصرالله ملك المتكلمین به عنوان جناب آقامیرزا محمد صادق رئیس مدرسه اسلام ، پسر دویم آقای طباطبائی مختابره نموده است . (آقامیرزا محمد صادق مدیر روزنامه مجلس است) .

از اصفهان به قم

حجج اسلام مهاجرین الی دارالسلام ، بر کافه مسلمین همراهی این فرقه واجب است . امید است کوتاهی نشود . (محمد باقر الموسوی)

آقای سید باقر صاحب این تلگراف ، از علماء معتبر اصفهان است .

اینا از اصفهان

حضور مبارک حجج اسلام دامت برکاتهم ، چشم اسلام و اسلامیان روشن بریدون لبطفوا و نورالله و الله متم نوره . جناب شریعتمدار آقا شیخ علی اکبر سلمه الله تعالی سالم اشتغال به شرح حالات ذوات مقدس دارند . همه قسم حاضر بوده از قصد مبارک ایشان و احقر را مسرور فرمائید .

(حاج شیخ جمال الدین)

ساحب تلگراف فوق آقا جمال پسر آقای نجفی است و مراد از شیخ علی اکبر آخوند ملاعلی اکبر مجتهد قم است ، که از طرف آقایان داعی بود و از اصفهان مشغول دعوت بوده است .

از کلات به قم

حضور مبارک بندگان حضرت آیه الله آقای آقاسید محمد رئیس حوزه مقدسه

اسلامیه ، مدّ ظله العالی ، در این موقع تبریکات خالصانه خود را با احترامات فائده تقدیم می نماید .
 صاحب این تلگراف آقامیرزا آقای مجاهد اصفهانی است که به حکم عین الدوله در کلات محبوس گردید و از جمله منفین و مبعذین از طهران است . این که می نویسد رئیس حوزه مقدسه اسلامیه ، مقصود از حوزه اسلامیه انجمن اسلامیه است و این انجمن اول انجمن علمی است که در طهران تأسیس یافت و زمان تأسیس این انجمن از سال ۱۳۲۳ بود .

این از کلمات به قم

حضور حضرت آیه الله آقای آقاسید محمد مجتهد ، روحانفداه ، الحمد لله
 الذی اذهب عنا الحزن ، کفی علمک عن المقال و کفی کرّمک عن السؤال .

(اصحاب السجن مجدالاسلام ومیرزا آقا)

از بروجرد

حاج ملک المتکلمین : تلگراف تسلیت آمیز شما ، دوازدهم ملاحظه شد . سلام خالصانه را خدمت جنابان مستطابان قدوسی الانام و حجج اسلام ، آقای آقاسید عبدالله و آقای آقاسید محمد مجتهد ادام الله برکاتهم برسانید . حالا که به الهامات خاطر خلیف خسروانه مقصودی که در خیر خواهی عامه داشتند حاصل شد و این حرکت و مسافرت ادراک سعادت زیارتی هم فرمودند ، خوب است که آزرده گی خاطر انور اقدس همایونی را نخواهند ، به دارالخلافت مراجعت فرمایند . کمال تأسف را دارم که در آنجا حضور ندارم که در سعادت موافقت آن وجودهای محترم را تا طهران همراه می بردم .
 حاج ملک المتکلمین در این ایام به عزم سفر لرستان و رفتن نزد سالارالدوله حرکت نمود و در قم تلگرافی به سالارالدوله مخابره نمود . لذا سالارالدوله این تلگراف را به توسط او مخابره نمود .

از شیراز به قم

خدمت حجج اسلام و آقایان غلام و علماء مهاجرین از دارالخلافت طهران دامت برکاتهم ، روز گذشته به توسط آقایان آذربایجان ، از اهانت وارده و ظلم واسله به آقایان دارالخلافت مطلع ، چشم اسلامیان کورو گوش کر باد که این واقعات را نشویم . با این که هنوز خود گرفتار بلیه عظیمه وارده از ایالت هستیم به کار و اقدامات که تدارک این ظلم جدید که بر حسب تکلیف اسلامیت حاضر و مشغول هستیم ، خاطر محترم مطمئن باشد و به اعانت شریعت مستظهر باشید به شرطی که امروز متفرقه ثانیاً رخنه در اجراء مقاصد حقّه نکنند . در اطلاع به وقایع کاملاً استظهار از ناحیه شریفه داریم . (ابراهیم الشریف) (حجی امام جمعه) (سید غفار)

(حاج سید محمد علی) (میرزا محمد) (شیخ غفار) (سید محمد) (آقا محمد)
(سید علی) (شیخ محمد رضا) (سایر علماء شیراز) .

صاحبان این تلگراف علماء اعلام شیراز می باشند و ما سه نفر را می شناسیم . اول جناب حاج میرزا ابراهیم است که از معتبرین و فحول علماء اعلام است . دوم جناب حاج میرزا یحیی امام جمعه شیراز است که متجاوز از نود سال سن ایشان است و مردی است عیاش و خوش گذران و صاحب مال و اعتبار و بذل و مهمان دوست . سوم آقا سید محمد پسر مرحوم حاج سید علی اکبر فارسیلی است .

روز سه شنبه ۱۶ جمادى الاخرى ۱۳۴۴ هجرى - در این روز بازارها و عموم کسبه نیز به قرار ایام سابقه بسته و در سفارتخانه متحصن و متمند دستخط مطبوعه را از در و دیوارکنده و در این روز جمعیت سفارتخانه بیش از هر روز است بولی هم تقسیم کردند روی کسبه و اساتید هر صنفی که بدهند به شاگردهایشان که عیال دارند . مساوات و موااسات و برادری بین متحصنین بر وجه اتم و اکمل برقرار است .

در این روز جناب آقا میرزا سید محمد صادق پسر آقای طباطبائی و جناب آقا سید مطهر... و جناب آقا سید علاءالدین داماد آقای بیهبانی از طرف آقایان و علماء مهاجرین از قم تشریف آورده ، لدی الورود آمدند به سفارتخانه ، دیدنی از متحصنین فرموده ، برای حضور و ملاقات اعلیحضرت شاهنشاه و ملاقات صدراعظم و وزرای درباری بروند به قصر صاحبقرانیه البته این سید جوان با کفایت که حضور شاه مشرف شود عمل به خوبی اصلاح خواهد شد چه این سید بزرگوار جوان بخت به متابعت نیت مقدسه پدر بزرگوارش قصدی جز رفاهیت و آسایش عموم ندارد ، آنچه بگوید خیر مردم را ملاحظه خواهد نمود ، نه غرض شخصی دارد و نه طمعى و نه هوى و هوس . جوان در سن بیست و پنج به سن ایشان و این گونه خیرخواه عموم کمتر دیدم .

اگرچه مردم از بودن آقا سید مطهر و آقا سید علاءالدین اعتمادالاسلام با ایشان در خوف و خطرند ، چه سوءظن درباره دو رفیقش حاصل است و در واقع اگر مداخله در این امر خطیر نمی کردند و کار مردم را به خودشان واگذار می نمودند و می گذاردند که مردم خودشان کار را به جایی می رسانیدند بهتر بود و مردم از اعتمادالاسلام و آقا میرزا محسن خیلی بد می گویند و خائف می باشند ، چه به يك تعارف و يك وعده دستمالی قیصریه را آتش خواهند زد .

باری از مصداق این مثل هم بگذریم و دست از کار خود برداریم . طرف عصری جناب آقا میرزا سید محمد صادق ، از قصر صاحبقرانیه مراجعت نمود ، ولی در این دفعه رفتایش جرئت نکردند وارد به سفارتخانه شوند . چه مردم علانیه از اعتمادالاسلام و سید مطهر بد می گویند ، از این جهت آقا میرزا محمد صادق تنها آمد به سفارتخانه و مؤذنه

انجام مقاصد آقایان را به متحصنین داد و مقاصد آقایان عبارت بود از شش مقصد :

مقصد اول - تأسیس مجلس به طریق صحیح .

مقصد دوم - امنیت عمومی به متحصنین سفارتخانه و سایر اهل تهران .

مقصد سوم - نیامدن عین الدوله به طهران مطلقاً .

مقصد چهارم - عودت دادن منفین به طهران، جز مجدالاسلام که در غیر طهران هر

جا بخواهد برود یا بماند .

مقصد پنجم - راضی نمودن ورثه مقتولین را به دادن دیه و صلح و الا قصاص برحسب

قانون مقدس اسلام .

مقصد ششم - گرفتن قبوض موجب را از صرافان و تجار و پول دادن به آنها .

یک دستخط مختصری هم برطبق مقاصد آقایان داده شد بدین صورت :

دستخط اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

جناب اشرف صدراعظم . در تکمیل دستخط سابق خودمان ، به تاریخ

چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز اجازه صریحه در تأسیس مجلس منتخبین

فرموده بودیم . مجدداً برای این که عموم اهالی و افراد ملت از توجهات کامله

همایونی ما واقف باشند ، امر و مقرر می داریم که مجلس مزبور را به شرح

دستخط سابق صحیحاً دایر نموده ، بعد از انتخاب اعضاء مجلس ، فصول و شرایط

تظامنامه مجلس شورای اسلامی را موافق تصویب و امضاء منتخبین ، به طوری که

موجب اصلاح عموم مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس مرتب نمایند که به

شرف عرض و امضای همایونی ما موشح و مطابق تظامنامه مزبور ، این مقصود

مقدس صورت و انجام پذیرد .

۱۶ جمادی الثانیه ۱۳۲۴

طرفداری صدراعظم (مشیرالدوله) از ملت ، اگرچه برحسب تکلیف صدارتی و حسن

نیت و پاکی طینت و فطانت و ذکاوت و دولت خواهی او است ، چه امروز بقای دولت ایران

منوط و بسته به انجام مقاصد آقایان و علماء و متحصنین در سفارتخانه می باشد ، ولی بعض

پاکتهای مجهول و شبنامه ها به اسم صدراعظم و به پسرها و بستگانش می نویسند . اگر چه

این نوشتجات از اشخاص بی اصل و مجهول است ، لکن ما یکی از آن کاغذها را درج

می نمائیم ، دیگر خوانندگان وضع و حالات را می دانند .

سواد مکتوب

آقای مؤمن الملك (۱): به پدر بزرگوارتان عرض کنید: چون تا بحال

از شما بد نفسی دیده نشده شر شما را نمی خواهیم . به جهت این که شما هم برادر

۱- این مؤمن الملك که در اول مکتوب عنوان شده است پسر کوچک صدراعظم مشیرالدوله

است که صدراعظم خیلی اعتماد به عقل و کفایت این پسر دارد .

ما و مملکتی ما هستید پس شما را برادرانه اطلاع می‌دهیم ، اگر نمی‌توانید مقصود ما را انجام کنید و از امیر بهادر و حاجب الدوله می‌ترسید ، حقیقت حال مملکت و ملت را به شاه عرض و از خواب غفلت بیدارشان کنید و درک کنید که بعد از این بقای سلطنت و صدارت و اصلاح خیزانه و همه چیز بسته به وجود مجلس ملی است . فوراً استفا کنید و الا بزودی . . . و اسباب عبرت دیگران خواهید شد . تا دیگری قبول این مقام نکنند ، ما تا امروز گذشته شدیم و نکشیم ولی حالا ناچار می‌شویم ، آنها که دلشان برای ما نمی‌سوزد و می‌خواهند ما را گول بزنند جزائی بدیم که دیگران عبرت بگیرند ، حالا آنچه صلاح خودتان است بکنید ، ما هم آنچه صلاح خود و نوعمان و ملت و مملکت مان است می‌کنیم . شاید هر دقیقه که اراده کنیم از شخص شما و شاه و وزراء در چنگ ما باشیم .

کاغذی از يك نفر از تجار تبریز رسیده ، چون کاشف از حالات تاریخیة اهل تبریز است ما بعینه قدری از آن کاغذ را درج می‌نمایم که خوانندگان ملنفت وقایع تبریز هم باشند .

نقل از مکتوب یکی از تجار تبریز

در باب اغتشاش طهران در تبریز که اراجیف بسیار بسیار است که جمعی از علماء و سایرین به قتل رسانیده شده و طایفه رعیت اجماع کرده ، خانه وزیر دربار را داغون کرده اند . حرف زیاد ، ولی تا حال خبر صحیح مکتوبی نرسید ، ولی احوالات تبریز همین است که عرض می‌نمایم : چند روز قبل علماء طهران که در قم جمع شده اند از آنجا تلگرافی خیلی طولانی به علماء تبریز کرده و زیاد اظهار تظلم نموده و از علماء استمداد خواسته بودند . علماء شهر هم تماماً متفق شده هر روز در خانه یکی مجلس فراهم کرده و درهای مسجد هارا قفل کرده ، امورات شرع را تماماً موقوف نمودند . از نماز جماعت و مجلس و عقد مراقبه و غیره همگی متفق شده ، حتی جناب مستطاب حاج میرزا حسن آقا مجتهد ، که با جناب مستطاب حاجی میرزا کریم آقا عداوت سخت دارند ، در این مسئله تأسی کرده ، عموماً متفق شده و متعدد تلگرافات به طهران و اسفهان و قم و شیراز نموده و در ضمن آن تلگراف طولانی به خاکبای مبارک قبله عالم نمودند از راه کمپانی . از قراری که مذاکره کردند دوستان تومان پول تلگراف داده اند . يك فقره جواب از طهران رسیده ، حسب الامر بود . اینها باور نکرده ساکت نشدند . مجدداً تلگرافی به توسط وزیر مختار به قبله عالم نمودند . جواب آن را دیروز عصر که در خانه یکی از مجتهدین که همه در آنجا جمع بودند ، یعنی در خانه حاجی میرزا محسن آقا بودند ، تلگراف از جانب قبله عالم رسیده و خواهش و عرایض علماء را

قبول فرموده‌اند. و علماء طهران را هم بزودی به طهران با کمال احترام مراجعت داده و عرایض آنها را که صلاح دولت و ملت است قبول فرمایند. بعد از رسیدن تلگراف باز اینها گفتند که در این خصوص باید خود حضرت اقدس ضمانت نمایند. مجدداً سؤال و جواب کرده و حضرت اقدس دستخط مرحمت فرموده و متعهد شده سواد دستخط حضرت اقدس در جوف عریضه است. ولی سواد تلگراف طهران هنوز به دست من نیامده در نزد مجتهدین است، گویا امروز چاپ خواهند کرد. هفته آتیه سواد آن را خواهم فرستاد. حالا مطلب واضح شده و مردم مقصود را دانسته‌اند. انتهی.

صورت بعض تلگرافات را ما سابقاً درج نمودیم، ولی سواد دستخط حضرت اقدس ولیعهد را اینک درج می‌نمائیم و هذا صورته.

دستخط ولیعهد

جناب مستطاب شریعتمدار آقای مجتهد، سلمه الله تعالی، کمال تشکر از فضل خداوند متعال دارم که بجمده الله تعالی شفاعت و عرایض من و علماء اعلام دارالسلطنه تبریز مبنی بر اعاده علماء اعلام دارالخلافه طهران و رسیدگی به مطالب حقه ایشان که صرفه و صلاح دولت و ملت است قبول کرده‌اند و من متعهدم که به مدلول دستخط جهان مطاع مبارک ملوکانه بعد از مراجعت علماء اعلام به اوطان خودشان به معیت جناب اجل اکرم مشیرالدوله وزیر امور خارجه، ذات مقدس ملوکانه که همیشه حامی شرع اقدس است، قرار اجابت مطالب حقه آنها را که صلاح ملک و ملت، به طوری که خودشان امروز دستخط فرموده‌اند، انشاء الله انجام بدهند. هفتم شهر جمادی الاخره ۱۳۲۴. (۱)

رؤساء تجار امروز، در چادری مخصوص مشغول مذاکره می‌باشند. اهل طهران در این ایام تحصن در سفارتخانه، به حدی بیدار شده و پا به دایره تمدن و حقوق گذارده، که در مدت ده سال این قسم ممکن نبود. اشخاصی که در خارجه تربیت شده‌اند و سالها آرزوی این ایام را می‌بردند شب و روز در کار بیداری مردم می‌باشند.

اجزاء انجمن مخفی تمام همشان مصروف این است که آقا زاده‌ها و عالم زاده‌های بی‌سواد، دخالت در این امر مقدس خطیر نمایند که خدای ناکرده فردا خارجه به اهل ایران نخندند و نگویند جاهل بودند و از عهده برنیامدند. چه پیشرفت این امر مقدس باز منوط به همراهی دولت و دخالت وزراء بصیر و عالم است.

چنانچه ملاءهای طهران و یا آقا زاده‌های ایشان داخل در این امر خطیر شدند،

۱- این دستخط چون چند روز بعد از تاریخ صدورش به ما رسید. لذا در وقایع روز هفتم

دیگر کار مشکل است. زیرا که هر قدر دولت ضعیف گردد، عقلا و دانشمندان از پیشرفت این امر مقدس مأیوس و ناامید خواهند بود.

روز چهارشنبه ۱۷ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز جناب آقا میرزا سید محمد صادق طباطبائی با جمعی از محترمین و معتبرین تجار رفتند در تلگرافخانه و تا ظهر مشغول مخابره با آقایان مهاجرین بودند. از طرف دولت هم سدر اعظم نوشت به رئیس تلگرافخانه که آنچه تلگراف مخابره کنند مجانی باشد و قیمت مطالبه نکنند، لذا جناب آقا میرزا سید محمد - صادق، صورت دستخط ثانی را مخابره کرد و تا اول شب آنچه مطالبه جواب نمودند، جوابی نرسید.

در میان متحصنین سفارتخانه قاله قاله در گرفت. می گویند: تا سفارت انگلیس ضمانت اجراء دستخط را و عمل به مضمون آن نکند و قول تأسیس و تشکیل مجلس را ندهد ما از این سفارتخانه حرکت نمی کنیم و خارج نمی شویم و بازارها را باز نمی کنیم.

چند نفر از معتبرین تجار و اهل سفارتخانه یعنی متحصنین رفتند به نیاوران، که در صاحبقرانیه خودشان با دولت گفتگو کنند و یا در رستم آباد که مزرعه مشیرالدوله سدر اعظم است یا خود سدر اعظم مذاکره نمایند. اسامی آنها از این قرار است:

جناب حاج سید عبدالحسین واعظ - حاج محمد تقی - حاج محمد ابراهیم وارث - جناب آقا میرزا محمود قمی - حاج سید صراف - آقا سید محمد تقی سمائی - جناب آقا سید حسین بروجردی - شازردافر دولت انگلیس - مشیرالدوله و پسرش مشیرالملک - محتشم السلطنه هم آنجا بودند.

در باب مجلس شورا مذاکره بود، سدر اعظم می گفت که شورای اسلامی باید باشد. آقا سید حسین بروجردی گفت شورای ملی باید باشد. سدر اعظم گفت من شورای ملی نمی دهم. آقا سید حسین گفت ما به قوه ملت شورای ملی را می گیریم.

پس از مذاکرات بسیار بنیاد آقایان با مشیرالملک و محتشم السلطنه در مجلسی دیگر نشسته گفتگو کنند. پس از مذاکرات نتیجه مجلس این شد: که مجلس شورای ملی باشد.

امروز یکی از دوستان، ماده تاریخ کشته شدن سید عبدالحمید را خواند چون اشعارش مفصل بود ما از درج آن اغماض نمودیم لکن مصرع از آنرا که دلالت بر تاریخ و زمان داشت درج می نمایم (بتیسرا همان شهید سید عبدالحمید) که مجموع حرف مقطعه این مصرع، عدد ۱۳۲۴ می باشد. در صورتی که اول مصرع باء و بعد از آن تاء باشد که بتیسراست نه این که به تیسرا نویسد یا هاء بعد از باء.

در این روز نیز به قرار عروزی، بازارها و سراها بسته است. مردم همگی در زیر چادرها نشسته اند. یا واعظ مشغول موعظه است و یا مردم باهم نشسته سیاسی می گویند.

مشهور شده است تلگرافی از لندن برای شازردافر مخابره شده است، قریب به این

مضمون: انجام مقاصد مشروع متحصنین را ازدولت ایران بخواهید و این تلگراف در جواب تلگراف تجار که دو روز قبل از این مخابره کرده بودند، مخابره شد و تلگراف تجار قریب به این مضمون بود که: بیست روز است در سفارتخانه متحصن می‌باشیم. لذا تجار چند نفر از رؤساء را فرستادند قلهک که مزرعه و ده ییلاقی سفارتخانه است، و از آنجا با شارژدافر رفتند منزل صدراعظم و مذاکره کردند و قرار شد دو دستخط سابق را تغییر دهند و مضامین هر دو را در یک دستخط بنویسند و نیز در دستخط که مجلس شورای اسلامی نوشته‌اند باید به این عبارت مجلس شورای ملی تبدیل شود. چه شاید بعضی به اغراض شخصی یکی از مبعوثین را تکفیر کنند و آن وقت بگویند کافر در مجلس اسلامی چه می‌کند و شاید یک زمانی مانند شیخ فضل‌الله، ملائی پیدا شود که به غرض شخصی خود همه اهل مجلس را تکفیر و لااقل تفسیق کند، آن وقت محرم مردم شود که کافر و فاسق را به مجلس اسلامی چه کار است. دیگر آن که طایفه یهود و ارامنه و مجوس نیز باید منتخب خود را به این مجلس بفرستند و لفظ اسلامی با ورود آنها نمی‌سازد، مناسب لفظ ملی است.

باری پس از مذاکرات بسیار صدراعظم متقبل گردید که همه مقاصد آقایان و تجار و کسبه را برآورده نماید.

در سفارتخانه هم جمعی از مردمان عالم و تربیت شده افتاده‌اند در بین مردم و آنچه که می‌دانند به مردم یاد می‌دهند. در این اجماع اگر ضروری به مردم رسید، لکن بر علم و تربیت آنها افزوده گردید.

تلگراف از مراغه به مهاجرین

محضر حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای آقا سید محمد مجتهد ادام‌الله تأییده. از وقوع قضیه هایل، داعی و علماء مراغه زیاده از حد متألم شد. یک مصیبت بوده. ثلث فی الاسلام ثلثة لایسدهاشی" الی یوم النشور. جز تحمل چاره نبوده حتی بحکم الله، همه اوقات شریف مترصد سلام ارادت حضور سایر آقایان عظام دارد. (خادم الشریعة سید هدایت‌الله)

آقایان در قم مشغول مخابره به اطراف می‌باشند و در تهیه حرکت جناب عضدالمملک هم با آقایان به طور ملائمت و خوبی معاشرت می‌کند. کالسکه و درشکه و مال تهیه می‌بینند از برای حرکت دادن آقایان. قروض آقایان مهاجرین که از کسبه و اصناف قم نسیه کرده بودند نیز پرداخته شد. از طهران هم تجار پولی برای آقایان فرستادند که قسمت نموده به هر کدامی حصه‌ای دادند.

روز پنجشنبه ۱۸ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - در این روز نیز بازارها عموماً بسته است. شاگردهای مدرسه دارالفنون و مدرسه نظامی و مدرسه فلاحت نیز داخل شده و چادر مخصوصی برای آنها نیز بر سر پا کردند. تلگرافی که به قم مخابره کرده بودند

امروز جوانی رسید .

جناب آقامیرزا سید محمد صادق که از طرف علماء اعلام از قم آمده بود شهر ، امروز نیز با اعتمادالاسلام ، آقا سید علاءالدین رفتند نزد صدراعظم ، تاکنون آنچه به این صدراعظم عرض شده است بدون زیاده و نقصان به اعلیحضرت شاهنشاه رسانیده است و شخص خودش هم در نهایت دقت و رافت به امر رعیت و عرایض مردم و امورات دولتی و کار خود رسیدگی می نماید .

تا کنون در ایران بلوا به این معقولی و نجابت فکری بوده ، بلکه تاریخ در هیچ مملکتی نشان نمی دهد ، این قسم بلوا را . به این جهت امید است که به زودی به مقصد برسند . اگر چه عقلاء و اشخاص بصیرمی گویند مجلسی که بناشد به توسط خارجه گرفته شود ، بنائی است بر روی آب . چه مردم قدر نمی دانند و شاید به همین زودی باز از دست بدهند و آنکه آن شرف و افتخاری را که دیگران در بردند از گرفتن مجلس ، ماها نداریم زیرا که خیلی فرق است بین دادن و گرفتن . به ما دادند ، نه ما گرفتیم و نیز خیلی فرق است بین این که خود بگیرند و یا آن که واسطه درکار باشد .

امروز عصر مقارن غروب آفتاب ، جناب مشیرالملک پسر بزرگتر صدراعظم که امروز وزیر امور خارجه است ، با جناب آقامیرزا محمدصادق و جمعی دیگر از صاحبقرانیه آمدند به شهر و وارد به سفارتخانه شدند ، رفتند در جادر بزرگ تجار .

مشیرالملک که این ایام ، به او می گویند مشیرالدوله ، در مجلس جلوس نموده ، جناب آقا سید عبدالحسین واعظ ، رقت بالای منبر و اظهار مراجع و الطاف اعلیحضرت را به مردم نمود و از طرف مردم هم اظهار تشکر نموده دعایش را کرد . بعد مشیرالدوله حالیه ، پسر صدراعظم ، رفت روی صندلی ، فرمان اعلیحضرت شاهنشاه را که ذیلاً نگاشته می شود قرائت نمود ، و کاشف از اذن و اجازه تأسیس و تشکیل مجلس شورای ملی بود ، بعد از آن قرائت نمود دستخطی را که کاشف از عفو و اغماض از متحصنین بود و امنیت دادن به اشخاصی که در سفارتخانه بودند ، بعد از آن قرائت نمود ،

تلگراف قم را که از طرف علماء اعلام بود که مخابره کرده بودند به متحصنین ، که مقاصد شما و ما انجام گرفت ، از سفارتخانه برخیزید و بیش از این نمایندگی مقاصد برماندن زیاد می باشد ، در تلگراف نمی توانیم اظهار کنیم ، اگر مقاصد شما بقیه دارد ما در زاویه مقصد حضرت عبدالعظیم می مانیم ، تا آن بقیه هم انجام بگیرد . لذا مردم در نهایت رضا و امتنان و تشکر قبول نمودند . لکن چون تهیه شام و غذا را دیده بودند ، اکثر ماندند و بعضی از مردم رفتند به خانه های خودشان ، فردا هم که روزجمعه است و نباید بازارها باز شود ، قرار گذاردند دکانین را باز کنند ، اگر چه روزجمعه هم باشد ، فردا شب راهم خیال دارند شهر را چراغان نمایند . صورت دستخط شاه اگر چه با دستخط سابق چندان فرقی ندارد ،

لکن برحسب وظیفه تاریخ نویسی آن را نیز درج می‌نمائیم :

دستخط اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه که در سفارتخانه قرانت شد

جناب اشرف صدراعظم ، از آن جایی که حضرت باری جل شانه سررشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیق خودمان قرارداده ، لهذا در این موقع که رأی و اراده همایون ما بدان تعلق گرفته که برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشدید میانی دولت و اصلاحات مقتضیه ، به مرور در دوایر دولتی و مملکتی به موقع اجراء گذارده شود چنان مصمم شدیم که مجلس شورای ملی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف ، به انتخاب طبقات مرقومه در دارالخلافه طهران تشکیل و تنظیم شود ، در مهم امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورده و به هیئت وزراء دولتخواه ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد ، اعانت و کمک لازمه را بنمایند و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت به عرض برسانند که به صحت ملوکانه موشح و بمون الله تعالی به موقع اجرا گذارده شود . بدیهی است که به این دستخط مبارک نظامنامه ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مهیا خواهید نمود . این مجلس شورای مرقوم که نگهبان عدل ما است افتتاح و به اصلاحات لازمه امور مملکت و اجرای قوانین شرع مقدس شروع نماید و نیز مقرر می‌فرمائیم که سواد این دستخط مبارک را اعلام و منتشر نمائید ، تا قاطبه اهالی از نیت حسنۀ ما که تماماً راجع به ترقی دولت و ملت ایران است کما ینبغی مطلع و مرفه الحال مشغول دعا گوئی دولت و این نعمت بی زوال باشند . (در قصر صاحبقرانیه)

به تاریخ ۱۴ جمادی الثانیه در سال یازدهم سلطنت ،

تاریخ این دستخط در هیچدهم بوده ولی محض این که مطابق باشد با روز تولد شاهنشاه ، تاریخ آن را در چهاردهم نوشتند . کمالایخی .

بعضی از مردم نادان در لفظ به موقع اجرا مذاکره نمودند ، ولی اشخاص دانا و چیز فهم آنان را ساکت نموده و به آنها فهمانیدند معنی این کلام را .

در واقع اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار پادشاه رؤف و مهربان و پادشاه مسلمانی است این شاه مثل آفتابی است که در زیر ابر مستور و متواری است . اگر صدر اعظم ظالم و مستبد و سفاک و بی علم و دانش باشد ؛ آن وقت ابری است مظلم و تاریک که نمی‌گذارد این آفتاب شمع خویش را به زمین افکند . چنانچه در زمان صدارت عین‌الدوله دیدیم

که در آن سدارت شاه را چگونه قلم داد کرده بودند . اما در این زمان و این سدارت یعنی زمان سدارت مشیرالدوله ابری نازک و باریک و روشن جلو آفتاب را گرفته است ، که اگر کسی به دقت نظر کند شعاع آفتاب از زیر ابر نمایان خواهد بود . این است که در زمان این سدارعظم علت و سببی که مانع ترقی باشد دیده نمی شود . چه شاه رؤف و مهربان ، سدارعظم عالم و تربیت شده علماء مایل و مقدم ، طلاب و محصلین راغب ، مردم تا یک اندازه بیدار ، شاگردان مدارس جدید بزرگ شده و با تربیت می باشند به این جهات امید است که آقایان به زودی مراجعت کنند .

مراجعت شیخ فضل الله به کهریزک

از قراری که شهرت گرفته است بین جناب آقا سید عبدالله و حاج شیخ فضل الله ؛ کدورتی واقع شده است و حاج شیخ فضل الله چند روز زودتر حرکت کرده است و جلوتر از مهاجرین آمده است در کهریزک مانده است . تا مهاجرین برسند ولی بنده نگارنده نور رستگاری در جبین شیخ فضل الله نمی بینم ، چه این آقای دنیا دوست و دنیا پرست قصدی جز عیش و عشرت و ساختن پارک و رنگین کردن سفره خویش ندارد . با این که املاک بسیار دارد ، موقوفه زیادی را جلو گرفته است باز حریص در کار دنیا و به اندک رشوه برمی گردد . هر کس را مانع پیشرفت خیالات خویش داند حکم به کفرش می کند بلکه اگر بتواند حکم قتل یک اهل شهری را برای رسیدن به صد تومان می دهد . در این مقام که می بیند آقا سید عبدالله و آقا میرزا سید محمد جلو افتادند ، از غصه و اندوه نزدیک است تمام شود . دیرش می شود که خود را برساند و شاه را نادم کند ، بلکه بتواند این کار را برهم زند و یا به اسم خویش کند . مردم هم این شخص را شناخته اند که خود خواه و شهوت پرست است . لکن چون جمعی از مفت خورها و اهل دنیا دورش را دارند و به اطرافیهای خود که دلان مظلمه و شر خرد می رساند لذا همه وقت از او می ترسند . چه هر کس مخالفت او را کند یا زنش به خانه اش حرام و یا قباله و سندی از برای ملک خانه او ظاهر می کنند و بیچاره را گدا و خانه نشین می کنند . اگر هیچ نداشته باشد حکم کفر او را می دهد ، اطرافیهای او منتشر می کنند مگر آن که خداوند متعال شر او را کفایت کند . با این که هفتاد و سه سال از سنش می گذرد ، مانند اشخاص چهل ساله گردن کلفت و چاق و قر به است . بنده نگارنده تقریباً بیست سال است که او را به یک حالت می بینم ، بلکه روز بروز جوان تر می شود . نمی دانم خداوند عالم چه صلاح در بقای او می بیند ؟

باری مانعی که بنده نگارنده از برای این ملت ضعیف می بینم ، حاج شیخ فضل الله و امثال او است که در هر شهری از شهرهای ایران ، یکی دو تا از این قبیل شخص می باشد . عجب است که به مفاد بخراج الحی من العیت ، پسر این حاج شیخ فضل الله جناب آقا میرزا مهدی از اشخاص عالم متدین متمدن مقدس خیر خواه ، ملاحظه نوع و ایرانیّت و اسلامیت